



# ضرورت ادامه مبارزه حزب الله لبنان

(۲)

## نقاط ضعف در لبنان

سرزمین لبنان که مساحت آن از ده هزار و پانصد کیلومتر مربع تجاوز نمی کند و تعداد نفوس آن بیش از سه میلیون ونیم نمی باشد، از سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴) تاکنون در حال سوختن است و می توان گفت هیچ سلاحی در جهان وجود ندارد که در آنجا به کار گرفته نشده باشد و هیچ تدبیر نظامی نیست مگر اینکه در شهرها و مناطق مسکونی آن مورد آزمایش قرار گرفته است و این در صورتی است که کوششهای زیادی برای فرو نشاندن این آتش خانمانسوز که در هیچ پایتختی کشوری جز لبنان اتفاق نیفتاده، به عمل آمده ولی هرگز به نتیجه نرسیده زیرا هر بار به یک بن بست برخورد می کند که قابل عبور نیست چرا که سرزمین لبنان علی رغم کوچکی و ناتوانی، پر است از تناقضهای مذهبی و جریانهای فکری و سیاسی و کشمکش های منطقه ای و بین المللی، تا آنجا که عدد احزاب ملی و قومیتی و مذهبی از سی حزب و گروه تجاوز می کند و هر یک از این حزب ها برای خود منطقه یا مناطقی تحت نفوذ دارند که از لایبالی آنها در حدود ۱۷ دستگاه اطلاعاتی به تفرقه افکنی و خیانت به نفع نیروهای منطقه ای و بین المللی مشغول اند.

به علاوه آنچه نقاط ضعف را در لبنان افزایش

می دهد، یکی پیچیدگی درونی است که در رابطه با نظام لبنانی است و دیگری وضعیت سیاست خارجی است که لبنان را در بر گرفته است، از صهیونیسم خاص گرفته تا حکومتهای دست نشانده عربی که در آینده ها و برنامه های سیاسی خویش هرگز بر مبانی اسلامی تکیه نمی کنند و از حقیقت خواسته های ملت های اسلامی آگاهی ندارند، همان ملت هایی که استعمار کهنه و نودستی دراز در پراکنده ساختن و متفرق نمودن آنان داشته و اینقدر سدها و مرزهای سیاسی برای آنها پدید آورده است. در هر صورت، این محیط که دارای محورها و مراکز مختلف و ارتباط ها و ایده های گوناگون است، مهمترین عامل در ادامه کشمکش ها و درگیری ها میان گروه های مختلف لبنان می باشد.

## به بن بست رسیدن طرحها

نقشه ها و طرح های زیادی تاکنون از هر سوی برای بازگرداندن حیات طبیعی به لبنان طرح ریزی شده ولی تمام این برنامه ها از زاویه های سیاسی محدودی نشأت گرفته که با دیدگاه کلی حل مشکل خاورمیانه یعنی مسأله فلسطین و دیگر مسائل، انسجام و هماهنگی دارد. و به ملاحظه تعدد این طرحها و اختلاف انگیزه ها و نیروهائی که در این کشمکش ها کاری جز کوشش برای به بن بست کشاندن آن طرحها ندارند، تمام این

عوامل در شکست آنها مدخلیت داشته اند گرچه هر یک شعار وحدت و وطن و ایجاد امنیت برای هموطنان و بازگشت حیات طبیعی به لبنان سر می دادند. ولی در هر صورت، همین اختلاف سلیقه ها و انگیزه ها که گاهی به ایجاد نزاعهای جدید می انجامید، قضیه لبنان را همچنان معلق گذاشته و راه حل ها را به بن بست کشانده یا به تأخیر وامی داشت، آن هم چه تأخیری که سالهای متعادی می گذرد و لبنان شاهد برنامه ها و طرح های شکست خورده و بی خاصیت می باشد چرا که مسأله اصلی که عبارت است از مبارزه جدی برای محو و نابودی صهیونیسم اشغالگر هرگز بررسی نشده است مگر از زاویه به رسمیت شناختن اسرائیل و تسلیم امر واقع شدن و اگر گاهی اختلافی در این میان پیش آمده، اختلافی ظاهری و صوری بوده که از چارچوب ظاهری بی خارج نشده است و کسی تاکنون به عمق مسأله اشاره نکرده و بحث در آن را با کمال صراحت و شهامت پیش نکرده جز امام خمینی مظلّم که اسرائیل را جرئومه ای سرطانی معرفی می نماید و لزوم نابودی و بیرون راندن آن از قلب امت اسلامی را همواره گوشزد نموده است، و براسنی جز این، راهی برای نجات لبنان نیست مگر اینکه همچنان لبنان و منطقه را در دائرة توازن مرگ و برانگیز و خفه کننده فراردهیم تا سایر لبنانیان را نیز در کام خود فروبرد.

## تعهد حزب الله به ولایت فقیه

فرقی که جریان اسلامی با دیگر جریان ها





مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### خیانتکاران نباید تصمیم بگیرند

حق مسلم مردم لبنان است که در جوی سالم و آزاد و بدور از خفقان و فشار با هم بنشینند و مشکلات و نابسامانی های خود را به متافسه و بحث گذارند، ولی اینکه در این نشست ها افرادی بنشینند که هنوز دستهایشان به خون بیگناهان آلوده است یا آنان که کشتارهای دسته جمعی و جنایت های بی شماری را مرتکب شدند که هزاران مرد و زن و پسر و جوان، قربانی داشته است یا آنان که در بند و بست ها و قراردادهای خائنانه با دشمن صهیونیستی وارد شدند و کشور و مردم را آماج توطئه ها و جنایت ها قرار دادند، این چیزی جز توطئه بر علیه وطن و خیانت به هموطنان نیست.

کافی است به ده سال گذشته سری بزنیم و تاریخ رویدادهای خونین لبنان را در این سالها ورق بزنیم تا بزرگی اشتباهی که در حق وطن و هموطنان روا داشته شد و موجب ریختن خون بیگناهان و ویرانی خانه ها و مناطق مسکونی مسلمان نشین و رانده شدن ده ها هزار آواره گشت دریا بسیم. تمام این پیشامدهای ناگوار پس از امضای قراردادهای خائنانه و برنامه های امنیتی عجولانه که هرگز جهت گیری های گروه های مبارز و ارتباط تنگاتنگ آنان با صهیونیسم مدنظر نبوده، پیش آمد و از همین راه بود که مارونیها فرصت را غنیمت شمرده و بوسیله عوامل خود در هیئت حاکمه و نیروهای مسلح لبنان، نقشه های پلید خود را برای نابودی اسلام و مسلمین به مرحله اجرا می گذارند. و در چنین جوی های مسمومی بود که با استفاده از پیشنهاد های عربی و بین المللی، برای بیشتر کشتن و خونریزی کردن و مسلمانان را آواره ساختن، بهره گیری می کردند. و کافی است به برخی از این حوادث دردناک اشاره کنیم تا دلیلی بر صدق ادعایمان باشد:

۱- در ۴ اژون ۱۹۷۶ و همگام با طرح عربی برای بازگرداندن امنیت و آرامش به لبنان از طریق نیروهای بازدارنده عرب، گروه جنایتکاران مارونی با همکاری موساد اسرائیلی و با استفاده از طرح عربی، بزرگترین

دوست دارند این کشتی که در دریای متلاطم شناور است، تمام اجزا و اقسامش بهم پیوند خورده باشند، پیوندی ناگسستی ولی آنچه بیش از اینها مطلوب است این است که جهت این کشتی مشخص باشد و عناصر قوت و نیرومندی در آن گرد آید تا بادهای گوناگون آن را به این سو و آن سو نکشاند و آن را غرق نسازد.

بر ما است که مشکلات تعان را بر اساس واقع بینی و بدور از تأثیرهای بین المللی و منطقه ای و بشرط اینکه انقلاب اسلامی را فراموش نکنیم و رهبری واقعی آن را از یاد نبریم و دشمنی تاریخی و دیرینه ای که جهان استکباری و صهیونیسم به اسلام و مسلمین دارند به فراموشی نسپاریم چه اینها پیوسته برای ما نقشه می کشند و در پی ضربه زدن و از بین بردن ما هستند و از هیچ فرصتی برای به انجام رساندن اهداف پلیدشان فروگذار نمی باشند.

بر ما است که جغرافی را خوب بیاموزیم تا از لاپلاهی آن، جایگاه خود را و آن مساحتی که برای وجود ما سازگار است و حرکت ما را در زندگی هموار می سازد، دریابیم و نقاط اختلاف طبیعی میان ما و سایر ملتها و جامعه ها را مشخص سازیم ولی از آن بالا تر بر ما است که سری به تاریخ گذشته بزنیم، همان تاریخی که شهدای ما با خونهای پاکشان بر سرزمینهای گسترده ای از کوره زمین، ثبت کردند و ترسیم نمودند تا مطمئن شویم راهی را که پیموده ایم راهی هموار است و تفاهت فکری و سیاسی که باید بر اندیشه ها و انگیزه های ما حکمفرما باشد، آقایی روشن می باشد و از این روی بتوانیم از دروسهای تاریخ عبرت بگیریم و فرصت را پیش از سر آمدن، مقتضی شماریم.

زیبا است اگر با مردم به زبان احساسات سخن بگوئیم و عواطفشان را جلب کنیم و به امنیت و آرامش وعده شان دهیم چرا که امنیت امری است که تمام مذاهب و ادیان و عرفهای اجتماعی آن را می پسندند و بر همگان است که در راه ایجاد و برقراری آن تلاش کنند ولی اگر این شعارها وسیله ای باشد برای قبول دادن راه های ذلیلانه و صلح های تحمیلی و ایجاد امنیت و آرامشی که از راه زیر پا گذاردن شخصیت و کرامت و الای انسانی بدست آید و وطن را به بیگانگان بفروشد، امری است که باید پیش از ساختن و پرداختن به پیامهای عجولانه و انتخاب راه های نادرست، با دقت

دارد در این است که ایشان به حقیقت اعتقاد دارند و بر این باورند که جز راه اسلامی راهی برای نجات لبنان نمانده است و تمام طرحهایی که برای حل مشکل لبنان طرح ریزی می شود و در آنها ایده محو اسرائیل و آزادسازی قدس شریف از لوث وجود صهیونیست ها وجود ندارد، طرحهایی و رشکته و بی ارزش و فاقد اعتبار است.

شماره های زیادی در لبنان و منطقه از سوی سازمان های لبنانی و غیر لبنانی سر داده شد ولی با کمال تأسف در همان محدوده شمار باقی ماند و قرار تر ترفیت و لذا نتوانست یک حالت قیام و برانگیختن در توده های مسلمان بوجود آورد و همچنین نتوانست یک حالت خیزش و شورشی در افراد جامعه پدید آورد که آنان را همواره به حرکت و جنبش وادارد و از آنان جوانانی با شهامت و ایشارگر بسازد و این مطلبی است که حزب الله لبنان آن را بخوبی درک کرد و در راه ایجاد آن حالت همیشه قیام، برنامه ریزی و فعالیت کرد و در این راه از رهنمودهای امام امت دام ظلّه در این زمینه توشه برگرفت. و همین امر آن را از دیگر گروه ها متمایز و مشخص ساخته و در گیر و دارهای مذهبی که هر چند یکبار افروخته می شود وارد نساخته است.

همین تعهدی که حزب الله به رهبری شرعی و واقعی داده است و در ولایت فقیه جلوه گر می باشد، به آن توان مقابله و روبرو شدن با تمام برنامه ها و نقشه های خائنانه و ذلت بار داده است هر چند در این راه بر پیچ و خم مبارزه با سختی ها و مشکلات و حوادث دردناکی دست به گریبان بوده و می باشد، و هر چند برخی از گروه ها و رهبران، این فرزندان خداجوی را به تهور و جنون توصیف می کنند و چنین تبلیغ می کنند که اینان راه خود کشی را برای خود هموار ساخته اند!! گویا هنوز ساده اندیشانی پیدا می شوند که می بندارند تنها چند تغییر و تبدیل در برخی از قوانین و دفع بعضی از محرومیتها از برخی طوایف لبنان، کافی است که تمام مردم لبنان را با همه گروه ها و عقیده ها و مذهب هاشان در دایره امنیت نگهدار و صلح و صفا را به لبنان باز گرداند.

### تاریخ و جغرافی را بیاموزیم

همه گروه ها دوست دارند که جامعه لبنانی الگویی برای همزیستی مسالمت آمیز طوایف و ادیان گوناگون بر پایه عدالت و برابری باشد و همگان





## حوادث اخیر غرب بیروت

حوادث اخیر بیروت که در غرب بیروت رخ داد و همگام با ورود نیروهای سوری به لبنان شد و برخی از سربازان و افسران جانیهای فجیعی در حق مسلمانان مرتکب شدند چیزی جز همان طرح پیش بینی شده استعماری برای سرکوبی مسلمانان مبارز و تمام نیروهائی که در راه مبارزه با آمریکا و اسرائیل تلاش می کنند نمی باشد. دشمنان می خواهند سوری را در همان گرداب آلوده لبنانی غرق کنند تا اینکه از این راه به شرایط و عواملی که برای سرکوبی تمام دست آوردهای مسلمانان پی ریزی و تهیه شده است، دست یابند و تمام افرادی را که علیه دولتهای استکباری مبارزه می کنند و طرحهای ذلت بارشان را نمی پذیرند، سرکوب و نابود سازند.

و آنچه در نیروهای مسلمان دیده می شود از صبر و تحمل نارسائی ها و جنایتها و ظلمهائی که به آنان شده است، بهترین دلیل بر رشد والاتی است که از آن برخوردارند چرا که دشمن اصلی را شناخته و برای مبارزه با آن برنامه ریزی و تلاش می کنند و هرگز در جنگهای فتنه انگیز محلی و مذهبی وارد نمی شوند هر چند از این جنایتکاران فریبگر و پیمان شکن ضربه ها خورده و برخی از بهترین و متعهدترین فرزندان مبارز خود را از دست داده اند.

بنابراین، نیروهای مسلمان درک می کنند که هنوز شرایط حل مشکل لبنان فراهم نیامده تا آسوده خاطر کناره گیری کنند و با نسبت به طرحهای موجود خوشبین باشند. و مشکل لبنان همچنان یکی از مشکلات لاینحل منطقه باقی است تا آنگاه که دست بندهائی که هم اکنون در سطح بین المللی و اقلیمی راجع به مسئله به رسمیت شناختن دشمن صهیونیستی، اتمام پذیرد. و از این روی تمام حرکتها و تلاشهایی که این روزها در لبنان و منطقه انجام می پذیرد، فقط در این چارچوب شناخته می شود و بی گمان فشارهای بین المللی و عربی بسیار بزرگی وجود دارد و تحت عناوین زیادی قرار گرفته ولی از همه آنها بزرگتر، راستی در شعارها و صدق در ایده ها و نگهداری خون شهدائی است که به ما عزت و کرامت و زندگی بخشیده اند.

آیا باز هم معقول و منطقی است که سر میز مذاکره با قاتلین و مجرمین و خائنین بنشینیم و شهرها و مناطق و اسلحه های خود را به آنان واگذار کنیم و امنیت خانواده ها و سلامت ناموسان را به عهده همین ارتش دولتی بگذاریم که کودکان و زنانمان را به کشتن داد و مستضعفین و محرومینمان را آواره ساخت؟ و آیا به ما اجازه داده می شود که خون شهیدیمان را پایمال کنیم تا اینکه احترامی ظاهری و جانی برای خود در این دولت جائز بدست آوریم؟ پس با چه روشی با پیمان و بیوہ زنان و فرزندان شهیدیمان که به ما عزت و کرامت و شخصیت بخشیدند و در روحیه ما امید و توان ترریق کردند، روبرو شویم؟

این مراجعه کوتاه به مهمترین حوادث و رویدادهائی که در ادامه برنامه ها و طرحهای توخالی برای حل و فصل مشکل بزرگ لبنان، از سوی خائسان و قدرتمندهای شیطنانی طرح ریزی می شود، شاید مایه عبرتی باشد برای آنان که همچنان تا امروز شعار مبارزه با اسرائیل و جلوگیری از نقشه های پلید آمریکائی اسرائیلی در منطقه سر می دهند؛ چرا که روا نیست مشکلات همچنان گذشته بررسی و حل و فصل شود و سیاستهای بین المللی و منطقه ای نادیده گرفته شود؛ خصوصاً پس از اینکه دولتها و رژیمهای استکباری، واقعیت و حقیقت خود را در برابر دیدگان ملل جهان از دست دادند، چرا که مرتکب جنایتهای فسادناک بار شدند و اهداف توسعه طلبی شان که تا امروز ملت ها را تحت نام استعمار و آبادی فریب می دادند برای هیچگان کشف شد.

آیا باز هم وقت آن نرسیده است تمام آنهایی که می خواهند با جهان استکباری به مبارزه و مقابله برخیزند، گامهای استوارتر و بلندتری به پیش گذارند و از این حالت سستی وضعی که جهان استکباری را دربر گرفته، برای اجرای تعهدها و شعارهایشان استفاده کنند. و همچنین از دست آوردهای بزرگی که انقلاب اسلامی ایران توانست پس از تغییر جریان پیکار و مبارزه در منطقه به نفع مسلمین و مستضعفین بدست آورد بهره ببرند. و نیز از تجربه مقاومت اسلامی و جهاد مسلمانان در «جبل عامل» و «بقاع غریبی» که دشمن صهیونیستی را وادار به فرار و پناه آوردن به سنگرهای طبیعی و بشری گروه های مارولنی ساخت، در راه خود استفاده کرده و به کار گیرند.

جنایت را در حق مسلمانان مناطق نیبه، تل زعتر، دکوانه، سنبه، حتی العوازه، کرتبتا و صلخ روا داشتند که در اثر خرابی خانه ها و منازل مسکونی مسلمانان و کشته شدن هزاران نفر از فرزندان این مناطق مسلمان نشین و تجاوز به نوایس آنان و غارت و دزدی اموال و دارائیشان، بیش از نیم میلیون مسلمان از این شهرها هجرت کردند و آواره دبار شدند.

۲- در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ و همگام با طرح بین المللی برای اخراج رزمندگان فلسطینی از لبنان و باز گرداندن آرامش به آن برنامه ریزی برای اخراج اسرائیل از آن مناطق لبنانی که به صورت ظاهر برای سرکوب سازمان آزادیبخش فلسطین آنها را تحت اشغال خود قرار داده، گروه مارونیان با توطئه بین المللی و همکاری صهیونیسم، مخفیانه توانستند به «حصرا» و «شیتلا» پس از بیرون راندن رزمندگان فلسطینی از آنها، وارد شوند و هزاران مسلمان فلسطینی و لبنانی را قتل عام نموده و با معلول سازند، که در این میان، بیماران، زنان و کودکان نیز توانستند جان سالم بدر برند.

۳- از طریق قراردادهای امنیتی بسیاری که بین نیروهای متخاصم و زیر نظر نیروهای منطقه ای بسته شد، ارتش دولتی به بهانه حفظ امنیت و باز گرداندن حیات طبیعی به کشور، وارد بیروت غربی و منطقه جنوب شد، ولی در هر بار بجای حل و فصل مشکلات لبنان، این ارتش گروهی به خانه ها و مراکزی که احتمال می داد، مجاهدین مسلمان از آنجا به جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۸۲ پرداخته اند، بیوش برده و بسیاری از مجاهدین و مبارزین مسلمان را دستگیر می نمود. به علاوه به منازل مسکونی مستضعفین در مناطق «عمل عالی»، «وادی ابوحمیل»، «حی فرحات» و دیگر مناطق هجوم آورده و خانه های مستضعفین را بر سر ساکنین منهدم می کرد و همچنین برای ویران کردن مسجد «رسول اعظم (ص)» در راه فرودگاه بین المللی بیروت، تلاش فراوانی نمود و مسجد امام (رضاع) را در منطقه «بئر العبد» اشغال کرده و به روی علما و مجاهدینی که در آنجا به عنوان اعتراض به «قرارداد ۱۷ مارس» که بین حکومت لبنان و صهیونیست ها امضا شده بود، بست نشسته بودند، آتش گشود که در این حادثه و حادثه های مشابه هزاران کشته و زخمی از مسلمانان به جای گذاشت.

لازم به تذکر است در آن اوقاتی که ارتش دولتی قدرت را در شهرها بدست می گرفت ده ها انفجار رخ می داد که خود باعث قتل و جرح و معلول شدن هزاران بیگناه می شد و هنوز آثار کشتارها و جنایتهای فاجعه آمیز ارتش گروهی لبنان در خانه ها و ساختمانهای «ضاحیه» و «بیروت غربی» مشهود است.